

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله علي اعدائهم اجمعين من الان الي قيام يوم الدين

یادآوری

بحث به اینجا رسید که اگر مصلي بعد از نماز، علم پیدا کند به اینکه دو سجده از او ترك شده که یکی از این سجده‌ها مربوط به رکعت اخیره است و دیگری نیز مربوط به رکعت غیر اخیره است.

اینجا بیان شد که این بحث مبتنی بر این است که آیا این سلامی که در اینجا واقع شده و این مکلفی که این نماز را خوانده و سلام داده و بعد از سلام فهمیده که يك سجده از رکعت اخیره از او فوت شده و يك سجده هم از غیر اخیره؛ آیا این سلام مخرج از نماز هست یا مخرج از نماز نیست؟

روایاتی را ذکر کردیم که این روایات دلالت بر این دارد که این سلام مخرج از نماز است و سلام عنوان انصراف از نماز را دارد، این سلام غیر از آن سلام سهوي است که اگر احیاناً در رکعت اول یا در رکعت دوم یا سوم واقع شود، آن سلام سهوي مخرج نیست! اما اینکه شخص از روي عمد و از روي اختیار سلام نماز را داده، در این فرض مسئله‌ی ما که سلام، سلام عمدي است؛ دو قول وجود دارد:

«قول اول»: اگر گفتیم این سلام، عنوان مخرج از نماز را دارد، حالا که عنوان مخرج را دارد، باید بعد از نماز دو سجده را بعنوان القضاء انجام بدهد، دو تا سجده قضاء انجام شود.

«قول دوم»: اگر گفتیم این سلام مخرج نیست، آن وقت نتیجه این می‌شود که بگوئیم نماز این شخص هنوز تمام نشده؛ حال اگر این مصلي، منافی انجام داده، نمازش باطل است و اگر این مصلي منافی انجام نداده، اول این سجده‌ی اخیره را باید تدارک ببیند، یعنی هنوز داخل نماز است و هنوز نمازش تمام نشده ولو تشهد خوانده اما این تشهد و این سلام «في غير محلهم» واقع شده، باید سجده‌ی اخیره را تدارک ببیند و بعد تشهد و سلام، و بعد آن سجده‌ی اولایی که فراموش کرده را هم قضا کند.

خلاصه اینکه اگر ما سلام را مخرج بدانیم، فرقی بین منافی و غیر منافی نیست، چه منافی انجام داده باشد و چه انجام نداده باشد، دو تا سجده قضاء باید انجام بدهد و مشهور هم این را می‌گویند، مرحوم سید یزدی(ره)، مرحوم امام خمینی(ره) و کثیری از فقهاء همین نظر را دارند که این سلام «مخرج و لافرق بین وقوع المنافی و عدم وقوعه»، دو تا سجده قضاء انجام می‌دهد، و این غیر از بحث سجده‌ی سهو است که قبلاً آن را ذکر کردیم.

و اگر ما سلام را مخرج ندانیم؛ کما اینکه مرحوم محقق عراقی و مرحوم محقق بروجردی معتقدند که در این فرض دوم که یکی از سجده اخیره فراموش شده و این تشهد و سلام «في غير محلهم» واقع شده، پس مخرج نیست. حالا که مخرج نیست، عرض

اگر مصلي منافي انجام داده مثل این است که منافي در داخل نماز انجام داده، لذا نمازش باطل است و اگر مصلي منافي انجام نداده، اول باید این سجده‌ي اخيره را به عنوان اداء تدارك ببیند، و بعد تشهد بخواند، بعد هم سلام بدهد، بعد قضاء آن سجده‌ي ديگر را انجام بدهد.

مخرج بودن یا نبودن سلام در صورت فراموشی دو سجده آخر

روي این مبنا که سلام مخرج است، این مسئله مطرح می‌شود که اگر کسی در رکعت اخيره تشهد را خواند، سلام را داد، بعد از سلام فهمید که سجده‌تین را انجام نداده، «سجده‌تین من الركعة الأخيرة»، آیا اینجا هم باید همین مطلب را بیان کنیم؟ یعنی بگوئیم اینجا «سجده‌تین من الركعة الأخيرة» را ترك کرده، سلام مخرج است، مخرج که شد ركن ترك شده، وقتی ركن ترك می‌شود نماز باطل است، کما اینکه مرحوم سیّد(ره) در فرع چهاردهم همین مطلب را فتوا دادند و تصریح به آن کردند، اگر گفتیم سلام مخرج است، بعد از نماز معلوم می‌شود که يك ركن آورده نشده است.

لكن روي مبناي اینکه سلام مخرج نیست، رکعت آخر تشهد و سلام را خوانده اما معلوم می‌شود که هنوز داخل در نماز است، چون این سلام «في غير محلّه» واقع شده، اول باید سجده‌تین را قضا کند، یعنی به عنوان جزء نماز بیاورد، تشهد بخواند و سلام بدهد.

از این پنج یا شش روایتی که ما قبلاً در این فرع خواندیم، استفاده می‌شود که این سلام در اینجا هم مخرج است، یعنی کسی که دو سجده را در رکعت اخيره فراموش کرد و تشهد را خواند و سلام داد، حال آیا ما می‌توانیم بگوئیم که این سلام هم عنوان مخرج را دارد؟ اگر عنوان مخرج را داشته باشد، آن وقت نمازش باطل است و ديگر فرقی بین وقوع منافي و عدم وقوع منافي هم نمی‌کند.

نظر امام خمینی(ره) در مورد مخرج بودن سلام

امام خمینی(ره) می‌فرمایند: در فرضي که این شخص الآن يك منافي انجام بدهد، اینکه بلا اشکال نمازش باطل است، اما اگر منافي را انجام نداده، آیا ما از ادله، همین روایاتی که قبلاً خواندیم یعنی روایاتی که در مورد مسئله‌ي سلام خواندیم و از آن استفاده شد که سلام عنوان انصراف را دارد، آیا می‌شود استفاده کرد که این سلام هم انصراف و عنوان مخرج را دارد یا نه؟ می‌فرمایند مشکل است که از این روایات استفاده کنیم که این سلام عنوان مخرج را دارد، مگر اینکه بگوئیم آن صحیحه حلی که امام صادق(ع) فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»، انصراف است و «أینما وقع» مخرج است یعنی چه در تشهد اول و چه در تشهد دوم و چه در اثناء نماز و چه در آخر نماز، این «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» عنوان مخرج را دارد که آن را هم قبلاً گفتیم که آن روایت ناظر به فعل اهل سنت است و به عنوان ردّ بر آنهاست.

امام خمینی(ره) در آخر می‌فرمایند: مسئله محل اشکال است و در صورتی که ما بگوئیم از این روایات نمی‌توانیم اطلاقی را به دست بیاوریم و بگوئیم این سلام هم عنوان مخرج را دارد، باید بگوئیم این نماز صحیح است، اگر منافي انجام نداده، الآن تشهد را خواند، سلام داد و یادش افتاد که اصلاً در رکعت اخيره دو تا سجده را فراموش کرده، تدارك ببیند دو تا سجده انجام بدهد، مجدداً تشهد و سلام را بخواند.

اینجا ما باید ببینیم که آیا واقعاً، حالا این فرمایشی که امام خمینی(ره) فرمودند: از این روایات خیلی مشکل است ما استفاده کنیم که این سلام هم عنوان مخرج را دارد، آیا این فرمایش درستی است یا نه؟ منتها قبل از اینکه این فرمایش را بخواهیم بررسی کنیم؛ باز کلام مرحوم محقق عراقی(ره) را نقل می‌کنیم. ایشان یک کلام مفصلي دارند و امام خمینی(ره) هم به این کلام اشاره فرمودند و همچنین کلامی را از مرحوم آقای بروجردی(ره) از همان کتاب «نهاية التقرير» نقل می‌کنیم و بعد باید نتیجه‌گیری

بررسی و تبیین نظریه محقق عراقی(ره) در تفصیل بین انجام منافی و عدم آن

عرض کردیم محقق عراقی(ره) کتابی در فروع علم اجمالی دارد که به قلم شریف خودشان هم هست به نام «روائع الامالی فی فروع العلم الاجمالي»، ایشان حدود یکصد و یک فرع از فروع علم اجمالی را در آنجا ذکر کرده ولی مرحوم سیّد(ره) در کتاب «العروة الوثقی» شصت و هفت فرع آورده‌اند. آن وقت معلوم می‌شود که مرحوم عراقی(ره) و بزرگان ما چقدر وقت می‌گذاشتند و به مباحث فقهی اعتنا داشتند. این فروع علم اجمالی را اولاً کمتر کسی مورد تعرض و بحث قرار می‌دهد چون بحث‌های مشکلی دارد؛ اما متأسفانه در زمان ما وقتی از بسیاری از فضلاء درس خارج سؤال می‌کنیم که فروع علم اجمالی چیست؟ در پاسخ ذهنشان منصرف می‌شود به مباحث علم اجمالی رسائل و مباحث اصولی!

به هر حال مرحوم عراقی(ره) یک بار این فروع علم اجمالی را با استدلال نوشتند، بعد یک مرتبه‌ی دوم تجدید نظر کردند، باز یک حاشیه‌هایی بر آن نوشتند که در سال گذشته هم یک مطلبی از عراقی(ره) نقل کردیم و گفتیم که این مطلب را در حاشیه کتاب «روائع الامالی فی فروع العلم الاجمالي» ذکر کرده‌اند، در این بحث در متن کتاب یاد شده یک مطلبی دارند و بعد مرحوم عراقی(ره) در حاشیه یک نظر جدیدی را ذکر کرده‌اند.

خوب دقت کنید ایشان در کتاب «روائع الامالی فی فروع العلم الاجمالي» صفحه 9 می‌فرمایند: «و إن کانتا فی الأخيرین فتارة یكون تذکرة للفوت بعد الدخول فی المنافی عمداً و سهویاً و آخری قبله» اگر یکی از این سجده‌های منسیه در رکعت اخیر باشد، گاهی بعد از منافی است و گاهی قبل از منافی است. گفتیم سیّد(ره)، امام خمینی(ره) و خلاصه مشهور می‌گویند اگر این دو سجده‌ای که فوت شده یکی از آنها مال رکعت اخیر است و دیگری مال بقیه رکعات، نماز صحیح است، چه منافی انجام داده باشد و چه انجام نداده باشد و دو قضا باید انجام بدهد؛ این نظر مشهور است.

اما محقق عراقی(ره) می‌فرماید: تارة بعد از منافی و گاهی قبل از منافی، اگر بعد از منافی باشد، «فعلى الأول فلا بد من بطلان صلاته»، یعنی کسی که یک سجده‌ای از رکعت اخیر اش فوت شد و تشهد و سلام داد و منافی انجام داد اگر پشت به قبله کرد نمازش باطل است، چون «لأن فوت محل السجدة الأخيرة إنما هو بالدخول فی المنافی المزبور»، می‌گوید تا مادامی که منافی انجام نداده، محل این سجده‌ای اخیر باقی است، و لو تشهد را خوانده و سلام داده، اگر منافی انجام نداده باشد محلّ این سجده‌ای اخیر باقی است، تدارک می‌بیند. اما اگر منافی انجام داد محل سجده از بین می‌رود! «و لا جرم یكون هذا الفوت فی رتبة متأخرة عن وجود المبطل» چه زمانی می‌گوئیم محلّ این سجده‌ای اخیر فوت شد؟ بعد از منافی، حالا که اینطور است، «ففي هذه المرتبة لم تسقط جزئیته»، در این مرحله ما دلیلی نداریم جزئیت این سجده ساقط شده باشد، یعنی یک دلیلی که بگوید حالا اگر منافی هم انجام داده این سجده‌ای فراموش شده جزئیتش ساقط است، فقط قضا انجام بدهد، دلیلی نداریم «لم تسقط جزئيتها فوق المنافی المزبور فی صلاته فتبطل» مثل اینکه در وسط نماز پشتش را به قبله کند، نمازش باطل می‌شود.

«و على الأخير» آنجایی که منافی انجام نداده، «فیجب تدارک ما أمکن تدارکه»، تشهد را خواند و سلام را داد ولی یادش افتاد یک سجده‌ای اخیر فراموش کرده و یک سجده هم از رکعات دیگر اما هنوز هم پشت به قبله نکرده، «یجب تدارک ما أمکن تدارکه من السجدة الأخيرة» اولش سجده‌ای اخیر را تدارک ببیند، چون «لوقوع السلام بمقتضى دلیل الترتیب فی غیر محله»، دلیل ترتیب اقتضاء دارد که این تشهد و سلام «فی غیر محله» واقع شده، یعنی این آدمی که تشهد و سلام را خوانده، دلیل ترتیب می‌گوید تشهد صحیح است که بعد از سجده‌ها باشد، حال الآن نشست تشهد را خواند، فرض کنیم در حال خواندن تشهد است و یادش افتاد یک سجده را نیاورده! همه فقها می‌گویند باید تدارک ببیند، اینجا اختلافی نیست. اگر در اثناء تشهد یادش افتاد که در رکعت اخیر یک سجده را نیاورده، همه می‌گویند باید تدارک ببیند و اختلافی هم نیست. این تشهد «فی غیر محله» است.

محقق عراقی(ره) می‌گوید: سلام هم همین‌طور است؛ یعنی ادله ترتیب دلالت دارد بر اینکه تشهد و سلامی که بعد از سجده‌ها

هست «في محلهم» واقع می‌شود؛ اما اینجا یی که يك سجده يادش رفته باشد اینجا «بمقتضى دليل الترتيب» می‌گوئیم سلام «في غير محله» واقع شده، حالا که سلام «في غير محله» است، «فلا يصلح لأن يكون سلامه هذا فراغا عن صلاته»، این سلامش فراغ از صلاة نیست، یعنی این سلام دیگر مخرج نیست.

تا اینجا تفصیل داد عراقی بین منافی و عدم منافی، اگر منافی واقع شده باشد نماز باطل است، اگر منافی واقع نشده باشد نماز صحیح است.

بررسی توهّم یک متوهم از سوي محقق عراقی(ره)

مرحوم عراقی يك توهمی را در اینجا ذکر می‌کند و رد می‌کند! توهّم با توجه به يك روایت هست که این روایت موثق‌ي اسحاق بن عمار است که اسحاق بن عمار ساباطي فطحي مذهب است اما مورد وثوق است، موثق‌اش این است، اسحاق بن عمار می‌گوید: «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ (ع)»، أبا ابراهیم کنیه‌ي امام کاظم (ع) است، «سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ (ع) عَنْ الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَرْكَعَ»، يادش می‌رود رکوع را انجام بدهد، چکار کند؟ «قَالَ يَسْتَقْبِلُ حَتَّى يَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوْضِعَهُ» به طرف قبله بایستد و هر فعل و هر جزئی را در موضع خودش قرار بدهد، این روایت در جلد ششم و سائل صفحه 313 باب دهم حدیث دوم ابواب الركوع کتاب الصلاة؛ آمده است. - معلوم می‌شود این توهّم در عبارات فقهاست..

مرحوم عراقی(ره) می‌گوید: «و توهّم أن قوله "يستقبل حتى يضع كل شيء في محله" منصرف إلى المتذكر حين الصلاة و مع عدمه فلا ترتيب في البين و لازمه حينئذ وقوع السلام في محله»؛ متوهم می‌گوید جناب عراقی(ره) این روایت انصراف دارد به کسی که در حین نماز متذکر است، یعنی کسی که در اثناء نماز متذکر شد رکوع را انجام نداده «يَسْتَقْبِلُ حَتَّى يَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوْضِعَهُ» انصراف دارد به کسی که متذکر حین الصلاة است، اما اگر کسی علم و تذکر بعد الصلاة داشت این روایت دیگر شامل او نمی‌شود، شامل او که نشد، دیگر ترتیب معنا ندارد! چون این روایت «حَتَّى يَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوْضِعَهُ» از آن ترتیب هم استفاده می‌شود، یعنی کسی حالا رکوع را يادش رفته و قبل از سجده بعد باید برگردد انجام بدهد. از خود این روایت «حَتَّى يَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوْضِعَهُ» ترتیب هم استفاده می‌شود؛

منتها متوهم می‌گوید: این روایت دلالت بر ترتیب و لزوم ترتیب در حین نماز دارد، اما اگر کسی بعد از سلام يادش افتاد يك سجده‌ي اخيره را انجام نداده این روایت دیگر شامل او نمی‌شود، شامل او که نشد، یعنی اگر کسی بعد از سلام يادش افتاد يك سجده انجام نداده، «يَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوْضِعَهُ» لازم نیست، یعنی دیگر ترتیب به هم خورده، ترتیب بهم خورده یعنی تشهد و سلام «في محله» واقع شده، این توهّم در مقابل کلام خود عراقی(ره)، که کلام و فرمایش ایشان این بود که اگر منافی انجام نداده، تشهد و سلام «في غير محلهم» واقع شده است.

خلاصه این که متوهم می‌گوید جناب عراقی(ره) اینجا ادله‌ي ترتیب ساقط است، ادله‌ي ترتیب مال تذکر و علم در حین نماز است، اما بعد از نماز اگر کسی علم پیدا کرد يك سجده‌ي اخيره از رکعت اخيره را نیاورده، ادله‌ي ترتیب اینجا را شامل نمی‌شود، وقتی شامل نشد، تشهد و سلام در محلّ خودش واقع شده، اگر در محلّ خودش واقع شده، این سلام می‌شود مخرج و مخرج که شد، باید قضاء این سجده را انجام بدهد.

دفع توهّم توسط محقق عراقی(ره)

حال باید دید مرحوم عراقی(ره) از این توهّم چه جوابی می‌دهد؛ «مدفوع بمنع الانصراف» می‌فرماید این انصراف را از کجا آوردید؟ چه کسی گفته که ترتیب برای جایی است که تذکر حین الصلاة است؟ نه! هر جایی که امکان رعایت ترتیب باشد ولو بعد

السلام، ترتیب لازم است؛ لذا می‌فرمایند ما انصراف را قبول نداریم، «غایة الأمر نقول بأن من قبل إطلاقه يستكشف كونه في الصلاة» از اطلاق روایت استفاده می‌کنیم که این مکلف، داخل در نماز است و فقط تنها چیزی که مخرج از نمازش است، انجام منافی است «و أنه بالمنافي خرج منها حينئذ فالرواية بمثل هذا اللسان في مقام إثبات الترتيب» این موثقی اسحاق بن عمار در مقام اثبات ترتیب «و لزوم حفظه بين الأجزاء واقعا و لولا عموم لا تعاد لنقول ببطلان فاقده مطلقا» اگر ما عموم «لا تعاد» که «لا تعاد» می‌گوید: «لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةِ الطَّهَوْرِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ» در این پنج مورد، نماز باید اعاده شود، یعنی وقت و طهور و قبله و رکوع و سجده، اما در غیر اینها موالات است، که یکی از آنها ترتیب است. محقق عراقی (ره) می‌گوید: اگر ما این عموم لا تعاد را نداشتیم می‌گفتیم کسی که نمازش را خواند و این نمازش سهواً هم فاقد الترتیب بود، می‌گفتیم باید نمازش را اعاده کند.

مناقشه محقق عراقی (ره) بر نظریه سید یزدی (ره)

بعد مرحوم عراقی (ره) به مرحوم سید (ره) صاحب کتاب «العروة الوثقی» می‌فرماید: جناب سید (ره) راه همین است که ما رفتیم که باید بین وقوع منافی و عدم وقوع منافی فرق بگذارید: «و حينئذ فما في العروة من الحكم بقضاء السجدين مطلقا حتى ما لو كان من الأخيرتين» اینکه مرحوم سید یزدی (ره) فرمود بین اولتین و اخیرتین فرقی نیست! «بل و التزامه في مقام آخر ببطلان الصلاة عند تذكر فوت السجدين و لو من الركعة الأخيرة بعد السلام و لو قبل صدور المنافي» زیرا مرحوم سید (ره) در مسئله رابعه و در بعضی از موارد دیگر فرموده: اگر کسی در رکعت اخیره تشهد را خواند و سلام را داد، وقتی «السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» را گفت، یادش افتاد که دو سجده از رکعت اخیره انجام نداده، سید (ره) فرموده: این نماز باطل است ولو منافی هم انجام نداده باشد.

اما مرحوم عراقی (ره) به مرحوم سید (ره) عرض می‌کند که این دو فتوای شما «منظورٌ فيه»، ما اینها را قبول نداریم؛ چون می‌فرماید: «إذ هو مبني على مفرغية مثل هذا السلام و لقد عرفت ما فيه» متفرع بر این است که شما این سلام را مطلقا مخرج قرار بدهید، در حالی که این سلام «في غير محله» واقع شده، این حمله‌ای است که مرحوم عراقی (ره) به محقق یزدی (ره) می‌کند.

مناقشه محقق عراقی (ره) بر نظریه صاحب جواهر (ره)

بعد محقق عراقی (ره) به نظر مرحوم محمد حسن نجفی (ره) صاحب کتاب «جواهر الکلام» در کتاب «نجاه العباد» هم اشکال می‌کند و می‌فرماید: «و أعجب منه ما في نجاه العباد»، اعجب از کلام مرحوم سید (ره) کلام مرحوم صاحب جواهر (ره) است که بین وقوع منافی و عدم وقوع منافی تفصیل داده؛ معلوم می‌شود این تفصیل بین منافی و عدم منافی اولاً مال خود مرحوم عراقی (ره) هم نبوده، بلکه قبل از ایشان مرحوم صاحب جواهر (ره) بین اینکه منافی و عدم منافی باشد تفصیل داده است، البته فرض کلام صاحب جواهر (ره) در جایی است که «سجدين من الركعة الأخيرة» فوت شود، بعد فرموده آنجایی که منافی هست نماز باطل است، اما در جایی که منافی نیست نماز صحیح است.

بعد مرحوم عراقی (ره) می‌فرماید: صاحب جواهر (ره) فرموده اگر منافی نبود تشهد را خواند، سلام را داد، یادش افتاد که دو تا سجده رکعت اخیره را نیاورده، پشت به قبله هم هنوز نکرده، نماز صحیح است، اما «و مع ذلك» به جای اینکه بگوید این دو تا سجده را تدارک ببیند «و مع ذلك أيضا التزم بقضاء فوت سجدة واحدة بعد السلام و لو قبل المنافي». حالا باز در اینجا فرض را می‌آورد در جایی که يك سجده از آن فوت شده باشد. در صدر کلام آنجا سجده‌تین دارد و اینجا آورده روی سجده‌ی واحده،

این خیلی فرق نمی‌کند ولو اینکه حالا در مجموع بالأخره مثل امام خمینی(ره) فرموده:

آنجایی که سجده‌ی واحده را فراموش کرده نمازش صحیح است، چه منافی باشد و چه نباشد و آنجایی که سجدتین را فراموش کرده باشد نمازش باطل است که یا تفصیل دادند و یا فرمودند مشکل است.

حرف مرحوم عراقی(ره) به مرحوم صاحب جواهر(ره) این است که می‌گوید: شما از يك طرف می‌گوئید اگر منافی انجام نداده نمازش صحیح است و از طرف دیگر می‌گوئید قضاء کند؟! این قضاء فرع بر این است که این سلام مخرج باشد، «إِنَّ السَّلامَ إِنْ كَانَ فَرَاغًا فَيَقْتَضِي الْمَصِيرَ إِلَى بَطْلَانِ الصَّلَاةِ»، اگر سلام فراغ و مخرج است، باید بگوئیم نماز باطل است، ولو يك سجده. مرحوم صاحب جواهر(ره) فرمود: در جایی که سجدتین را یادش می‌رود اما منافی انجام نداده قضاء کند.

اما عراقی می‌گوید اگر سلام مخرج است، وقتی سجدتین را یادش رفته، نمازش باطل است چون رکن را نیاورده، «و لو تذكر قبل المنافي بعد السلام»، ولو اینکه منافی هم انجام نداده باشد، عرض کردم اگر سلام را مخرج بدانیم چه منافی باشد و چه منافی نباشد رکن را نیاورده و نمازش باطل است، و الا اگر سلام را مخرج ندانیم نماز صحیح است، نماز که صحیح است نباید دیگر حرفی از قضا بزنی، برای اینکه اگر يك سجده فوت شده آن را تدارک ببیند، اگر دو تایش فوت شده آن را تدارک ببیند، «و إلا فلا وجه لصيرورة السجدة الواحدة بعد السلام قضاء بل يجب حينئذ تداركه في محله و ضم ما بعده كما هو ظاهر».

خلاصه کلام مرحوم عراقی(ره) در دو محور

«محور اول»: اینکه باید بین منافی و عدم منافی در سجده‌ی واحده فرق بگذاریم، در سجده‌ی واحده:

اگر منافی انجام داده این نماز باطل است، چون منافی در خود نماز واقع شده است.

اگر منافی انجام نداده است باید تدارک ببیند.

«محور دوم»: اینکه باید بین منافی و عدم منافی در سجدتین فرق بگذاریم، در سجدتین باز:

اگر منافی انجام داده است، نمازش باطل است.

اگر منافی انجام نداده است حال

اگر سلام را مخرج بدانیم نماز باطل است.

اگر سلام را مخرج ندانیم نماز صحیح است.

این خلاصه‌ی کلام مرحوم عراقی(ره) در متن کتاب «روائع الأمالي في فروع العلم الإجمالي» بود.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ